



ترور «روزنامه‌نگار شجاع افغانستان»

ترور یک روزنامه‌نگار، راهی بی‌رحمانه و موثر برای خاموش کردن صدا و ترساندن دیگران است.

دیگر خوانندگی‌ها در این شماره

گفتگو

خروجی‌های دانشکده هنر چشم‌گیر نیست

مصاحبه با وحید نگاه؛ کارگردان و بازیگر سینما



جهان‌های موازی

جای مردن، زندگی می‌کنم

«دلیل اینکه در این روز سرد و برفی هم برای کار آمدم، دخترانم هستند. تلاشم این است تا اولادهایم به گذشته برنگردند»



تحلیل ۱

نهادهای مردمی؛ اهرم قوی در حل بحران کرونا

زمانی که دست کم ۶۰ درصد یک جامعه درگیر بحران شوند، رویکرد بالینی و پزشکی کم‌ترین کارایی را دارد و باید رویکرد اجتماعی بر مداخلات حاکم باشد

با سردی هوا و هشدار سازمان صحتی جهان به خاطر اوج گرفتن واقعات کرونا در فصل سرما، شاهد شروع موج دوم شیوع ویروس کرونا در افغانستان هستیم. آمارها در روزهای اخیر، افزایش تعداد بیماران بستری و افزایش مرگ‌های مشکوک را نشان می‌دهد. دولت تلاش خود را در مهار و کنترل ویروس کرونا دوباره آغاز نموده است. محافل در تالارها، تجمع در کافی‌شاپ‌ها...

تحلیل ۲

نیازمندی‌های مبارزه با فساد از دید بانک جهانی

فسادزدایی نیازمند اصلاحات در سطوح مخلفت است نه کمیسیون‌سازی

آنچه واضح است، اینکه فساد بزرگترین مانع در راه توسعه کشور در همه ابعاد بوده. فساد از طریق تخریب حکومت و تضعیف بنیاد قانونی که رشد اقتصادی و سیاسی به آن وابسته است، مانع توسعه می‌شود. تخریب و آوار فساد به حدی عظیم است که نه تنها خبری از رشد اقتصادی نیست که کشور در همه بخش‌ها رو به افول و امنیت به کالای نایاب مردم تبدیل شده است. بر مبنای داده‌های بانک جهانی، توجه به ۵ عامل بازدارنده فساد می‌تواند مؤثرترین راه مبارزه با فساد را فراهم کند:

رفع مصونیت قضایی از همه یا هیچ

فساد جرگه‌سالاری یعنی دادوستد و امتیازگیری که بین وکیل و مقام‌های حکومت ایجاد شده باید از بین برود



برو پشت نان که خربزه آب است!

هفتاد روز پیش نگران حقوق زنان بودیم و حالا نگران جان همه‌ایم

خبرهای کوتاه

نور به صالح: که ناکس کس نمی‌گردد از این بالانشینی‌ها

کانون توطیه موسوم به شش‌ونیم صبح شما جز افزایش جرایم جنایی، گسترش فاصله میان مردم، احزاب سیاسی و حکومت و ختا آوردن موثر مملو از راکت در داخل شهر کابل و در کنار آن نشر تصاویر برخی از



انسان‌های بی‌گناه در کنار تصاویر مجرمین تحت پی‌کرد، چی بوده است؟
آقای نور در این جوابیه که به نظر خشمگین می‌آید، طراحی میناق امنیتی راست توطیه و دسیسه به هدف ترور شخصیت دیگران و درگیری حکومت با شخصیت‌های سیاسی کشور عنوان کرده و گفته که این طرح هیچ حاصلی جز افتراق به دنبال ندارد. وی به آقای صالح توصیه کرده که لطفاً جوگیر نشوید، معاونیت ریاست جمهوری وقار، صلابت و سنگینی نیاز دارد که کاش در این دور هم آن را شاهد بودیم.

آقای نور در این نوشته‌اش، الله‌گل مجاهد را برادر خود خوانده و با نقل قولی از وی افزوده که متوجه باشید با من اشتک‌بازی نکنید که طرف شما بخشی از تاریخ این سرزمین است.
عطا محمد نور به رسم شوخی آقای صالح، در پایان افزوده که می‌خواهم به شوخی ولی جدی بگویم: من هیچ غلام‌بچه‌یی را به خود سیال نکرده و نمی‌گیرم. غلط نکنید. به صحبت‌های من دقت کنید، من شما را فرد دوم ارگ خطاب کردم، نه فرد دوم کشور. باد خس و خاشاک را با خود می‌آورد همان طوری که شما را تا اینجا آورد ورنه نه سهمی در جهاد داشتید، نه مقاومت و نه هم آدم مطرح و صاحب فهم بودید. تنها چند روزی در بخش نظامی سفارت افغانستان در دوشنبه امور کمیوتر را به دوش داشتید و در جریان سفر زنده‌یاد مارشال محمد قسیم فهم و اینجانب به فرانسه مسوولیت ترجمانی داشتید.

آقای نور در حالی که اظهارات آقای صالح پاسخ داده که معاون اول ریاست جمهوری در گزارش جلسه شش‌ونیم دیروز سه‌شنبه سوم قوس به‌صورت کنایه و غیر مستقیم دست آقای نور را در بی‌ظمی‌ها و فساد بلخ دخیل دانسته بود.

راه مدنیت: به دنبال اظهارات دیروز امرالله صالح؛ معاون اول ریاست جمهوری در گزارش جلسه شش‌ونیم بجه که به آدرس آقای نور؛ رییس اجرایی جمعیت اسلامی حواله شده بود، آقای نور

نیز با نشر مطلبی در فیسبوک خود واکنش نشان داده است.
عطا محمد نور با نوشتن این شعر، من از رویدادن خار بر سر دیوار دانستم / که ناکس کس نمی‌گردد از این بالانشینی‌ها، [که کلمه «بر» در اینجا اضافه آمده] ضمن دعوت از آقای صالح که اندکی آرام‌تر حرکت کند، مستقیم به بندر حیرتان رفته و گفته است: «حیرتان از بنادر بسیار مهم این کشور و تابع سیستم مرکزی است. وقتی من به‌عنوان ولی بلخ از سوی جلالت‌ماب حامد کرزی منصوب شدم، فیصله نمودیم که در تقرر مسوولان ادارات عایداتی هیچ‌گونه نظری ندارم که تا پایان کار چنان شد. پس هرگونه دوسه‌یی که «ساختن دوسه» بخشی از کار و ماموریت شماست، در مورد حیرتان نیز مصداق همان اصطلاح معروف و طنزی شما «به اطلاعات من شک نکنید» است، اما بیاد داشته باشید که مردم بلخ به روی توطیه‌گران چنان سلیبی محکمی بزنند که خواب پریشان‌شان برهم بخورد. حیرتان که به فساد محکوم نیست، اما فساد دور و برت کند زده است، استخدام می‌کنید و لذت می‌برید».

آقای نور فراتر از این مساله به آقای صالح اتهام زده و افزوده: «دزدی پول‌های اوپراتیفی امنیت ملی در زمان تصدی ریاست امنیت ملی را اگر فراموش کرده‌اید، به‌یادتان بیاورم که چه مقدار بود و در کجا سرمایه‌گذاری شده است؟ دزدی از نان خشک مردم فقیر و مظلوم در ایام شیوع ویروس کرونا توسط افراد منصوب به شما در ذهن مردم حک شده است. از آن گذشته، چشم دوختن به حیث‌ومیل میلیون‌ها دلار برنامه دست‌رخوان ملی توسط شما و همکاران‌تان مشهود و شرم تاریخی است.»
آخر گزارش خود چنانچه یاد کرده، وی با اشاره به اینکه این را نیز می‌دانم که پول‌های جاسوسی بافتخار رادر کجا سرمایه‌گذاری کرده‌اید و در صورت نیاز همه را فاش می‌کنم، گفته: «حاصل جلسات

صالح به نور: مراقب دندان‌هایم هستم

انتخابات قرار خواهد گرفت تا برایتان معلوم گردد که می‌دانیم.
حالا اینکه این «می‌دانیم» آقای صالح شامل چه دانستن‌هایی است، انتظار می‌رود که در جلسات بعدی برای مردم یاد کنند.

به تصریح معاون اول ریاست جمهوری، «این سند به ما توان می‌دهد که بحث حکومت‌داری را به‌صورت روزمره و دوامدار در محک و ترازوی قابل دید به مردم قرار بدهیم، اما در عین حال برای من معماست که مجاهدین کرام چرا باید مانع مهار باج‌گیری و غضب باشند؟ یعنی اگر فهرست این مجاهدین طرفدار مردم آزاری را دارید برای ما ارسال نمایید که پژوهش کنیم مشکل‌شان چیست».

امرالله صالح صریح‌تر به آقای نور یادآور شده که «ولایت بلخ مستثنا نیست. در ضمن جلالت‌ماب شما گاهی مرا به‌خاطر بی‌صلاحیتی، سیال نمی‌گیرید و گاهی از پشت‌کار زیاد و پرداختن به مسایل ریز به من انتقاد می‌نمایید».

صالح در پایان ضمن آرزوی اعصاب آرام و اوقات فارغ‌ناله برای آقای نور با لحن کنایه‌آمیز گفته است: «کمی شوخی‌گونه و کمی جدی برایتان باید بگویم که دندان‌هایم را زیاد مراقبت می‌نمایم. به‌خاطر تکلیف دندان‌چندی قبل به شفاخانه «افغان جرمن» در کولوبه‌شته رفته بودم. اکنون دندان‌هایم جور و تیار استند و می‌خواهم از گزند روزگار در امان باشم».

گفتنی است اما این مساله برای مردم روشن نیست که آقای صالح در قسمت اخیر گزارش خود چنانچه یاد کرده، چرا از میان همه شفاخانه‌ها فقط به شفاخانه «افغان جرمن» رفته است؟ آیا «افغان جرمن» کدام رازی دارد؟



راه مدنیت: گزارش جلسه شش‌ونیم صبحگاهی روز سه‌شنبه (۴قوس) حکومت به‌رهبری امرالله صالح؛ معاون اول ریاست‌جمهوری کشور با شوخی، نیش و کنایه‌هایی به آدرس عطا محمد نور همراه بود.

آقای صالح در این گزارش با اشاره به نگرانی‌های آقای نور که قبلاً از وی انتقاد کرده بود نوشته که «میناق امنیتی سند محرم نیست. از مقام ولایت بلخ خواهیم دولتی و غیر دولتی بگذارند».

به گفته صالح «ضمایم میناق فهرست آدهمایی است که در انواع مختلف فعالیت‌های ضد نظم عامه از جمله باج‌گیری، زورگویی و غضب زمین دست دارند. آن فهرست را نیز نشر نخواهیم نمود تا مردم نظر بدهند که کنایه‌های ما را از آنجا که «پاک‌کاری بندر حیرتان از وجود مامورین موربانه‌صفت که سال‌هاست نظام مالی کشور را از درون ضعیف و نپوسیده کرده‌اند نیز شامل کار است» خطاب به آقای نور افزوده: «البته شاید به توجه جناب شما رسانیده باشند که ما بالای حیرتان یک دوسه‌ی ضخیم اطلاعاتی داریم که نشان می‌دهد کدام حلقات چه مقدار امکانات ملت را ماهانه حیث و میل می‌نمایند».

صالح با تاکید اشاره کرده که «هر وقت خواستید آن دوسه‌ی ضخیم نیز در حاضر ۹۶ درصد عملیات‌ها به شکل مستقلا توسط این نیروها به پیش برده می‌شوند. وی در آخر سخنانش خطاب به سران کشورها و سازمان‌های بین‌المللی خاطر نشان ساخت: «مردم افغانستان در خط مقدم مبارزه با تروریسم جهانی قرار دارند. ما ولایات کشور را حفظ کردیم و در کنترل خود داریم. زمانی که طالبان می‌توانستند به صورت موقت کنترل یک ولسوالی را بدست آورند، ما با اقدام سریع آن را دوباره تصرف کرده‌ایم».

از سویی هم آنتونیو گوتش، دبیر کل سازمان ملل در سخنرانی‌اش به اهمیت صلح و حفظ حقوق بشر و حقوق زنان در افغانستان تاکید کرد.

آقای گوتش به مردم افغانستان اطمینان داد که سازمان ملل و اعضای آن به حمایت از افغانستان ادامه خواهند داد.
او همچنان خواستار آتش‌بس بشردوستانه فوری برای جلوگیری از تلفات بیشتر و برای کنترل کرونا در افغانستان شد.
در عین حال محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران پایان نیافتن جنگ در افغانستان را تراجیدی خوانده و بر «خروج مسوولانه» نیروهای خارجی از افغانستان تاکید کرد.
آقای ظریف بیان داشت که در مذاکرات صلح افغانستان، سازمان ملل باید نقش اصلی را داشته باشد و ایران نیز در این زمینه کمک خواهد کرد.
وزیر خارجه ایران با اشاره به معضل مهاجرت گفت که ایران میزبان سه میلیون مهاجر افغان است.
سرگی لاوروف، وزیر خارجه روسیه از ادامه کمک‌های این کشور در موارد مختلف به افغانستان خبر داد.
آقای لاوروف از موافقت‌نامه امریکا با طالبان استقبال کرد و گفت مسکو مکان نخست صحبت‌هایی بود که میان جوانب مختلف افغان برگزار شد.
وزیر خارجه روسیه تصریح کرد: «آنها نگران وضعیت امنیتی افغانستان هست که می‌تواند به آسیای مرکزی سرایت کند و از همین جهت می‌خواهم طرف‌های مذاکره‌کننده دوحه به سرعت به موافقت برسند».

او افزود: «ما به گفتگوها میان افغان‌ها متعهد هستیم. روسیه، حمایت و کمک‌هایی خود را در بخش‌های مختلف در افغانستان ادامه خواهد داد».

این در حالی است که اتحادیه اروپا اعلام کرده که ۱.۲ میلیارد یورو را طی چهار سال آینده به افغانستان، مشروط به تعهد دوام دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر و رعایت حقوق زنان و برابری جنسیتی کمک می‌کند.

غنی: صلحی می‌خواهیم که مطابق ارزش‌های حقوق بشری جهان باشد

حاضر ۹۶ درصد عملیات‌ها به شکل مستقلا توسط این نیروها به پیش برده می‌شوند. وی در آخر سخنانش خطاب به سران کشورها و سازمان‌های بین‌المللی خاطر نشان ساخت: «مردم افغانستان در خط مقدم مبارزه با تروریسم جهانی قرار دارند. ما ولایات کشور را حفظ کردیم و در کنترل خود داریم. زمانی که طالبان می‌توانستند به صورت موقت کنترل یک ولسوالی را بدست آورند، ما با اقدام سریع آن را دوباره تصرف کرده‌ایم».

از سویی هم آنتونیو گوتش، دبیر کل سازمان ملل در سخنرانی‌اش به اهمیت صلح و حفظ حقوق بشر و حقوق زنان در افغانستان تاکید کرد.

آقای گوتش به مردم افغانستان اطمینان داد که سازمان ملل و اعضای آن به حمایت از افغانستان ادامه خواهند داد.
او همچنان خواستار آتش‌بس بشردوستانه فوری برای جلوگیری از تلفات بیشتر و برای کنترل کرونا در افغانستان شد.
در عین حال محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران پایان نیافتن جنگ در افغانستان را تراجیدی خوانده و بر «خروج مسوولانه» نیروهای خارجی از افغانستان تاکید کرد.

آقای ظریف بیان داشت که در مذاکرات صلح افغانستان، سازمان ملل باید نقش اصلی را داشته باشد و ایران نیز در این زمینه کمک خواهد کرد.
وزیر خارجه ایران با اشاره به معضل مهاجرت گفت که ایران میزبان سه میلیون مهاجر افغان است.
سرگی لاوروف، وزیر خارجه روسیه از ادامه کمک‌های این کشور در موارد مختلف به افغانستان خبر داد.
آقای لاوروف از موافقت‌نامه امریکا با طالبان استقبال کرد و گفت مسکو مکان نخست صحبت‌هایی بود که میان جوانب مختلف افغان برگزار شد.
وزیر خارجه روسیه تصریح کرد: «آنها نگران وضعیت امنیتی افغانستان هست که می‌تواند به آسیای مرکزی سرایت کند و از همین جهت می‌خواهم طرف‌های مذاکره‌کننده دوحه به سرعت به موافقت برسند».

او افزود: «ما به گفتگوها میان افغان‌ها متعهد هستیم. روسیه، حمایت و کمک‌هایی خود را در بخش‌های مختلف در افغانستان ادامه خواهد داد».

این در حالی است که اتحادیه اروپا اعلام کرده که ۱.۲ میلیارد یورو را طی چهار سال آینده به افغانستان، مشروط به تعهد دوام دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر و رعایت حقوق زنان و برابری جنسیتی کمک می‌کند.

آقای غنی، مشکل دیگر افغانستان را شیوع بیماری کرونا عنوان کرد و گفت که موج اول گذشته، موج دوم تازه در این کشور آغاز شده، اما موج سوم برای این کشور بسیار سخت تمام خواهد شد.

رییس‌جمهوری افغانستان با اشاره به پیشرفت‌های پنج‌سال گذشته تاکید داشت که تمام معیارهای استراتژی کنونی مبارزه با فساد، به استثنای دو معیار که در حال تطبیق است، برآورده و تطبیق شده‌اند. همچنین از ایجاد کمیسیون مبارزه با فساد یادآوری کرد.

بر اساس گفته‌های وی، نظامیان افغان به صورت دوام‌دار تحرکات طالبان را طی چند ماه گذشته در ولایت‌های هلمند، قندهار، بدخشان و بخش‌های دیگر کشور عقب زده‌اند و در حال



راه مدنیت: محمد اشرف غنی، رییس‌جمهوری کشور در دومین روز نشست جنوا گفت: «مردم ما صلحی می‌خواهند که مطابق با قانون اساسی و قواعد حقوق بشری جهان باشد».

آقای غنی روز سه‌شنبه (۴قوس) در دومین روز نشست بین‌المللی جنوا برای کمک به افغانستان با حضور نمایندگان از ۷۰ کشور جهان و ۳۰ سازمان بین‌المللی به گفتگوهای صلح در قطر اشاره نمود و تاکید داشت که دولت افغانستان در سال‌های گذشته بارها از طالبان درخواست آتش‌بس کرده، اما طالبان نپذیرفته.

غنی به این باور است که برقراری حاکمیت قانون، امنیت و ارایه خدماتی که اعتماد شهروندان را به دولت جلب کند، برای حفظ توافق صلح حیاتی است و دولت‌سازی نیز با آوردن صلح پیوند دارد.

رییس‌جمهوری افغان داشت که این نشست نتیجه تلاش‌های مشترک افغانستان، همکاران بین‌المللی و روند‌های مملو از همکاری و تعامل است.
به گفته وی، استراتژی افغانستان مبتنی بر سه اصل ایجاد صلح، دولت‌سازی و ایجاد بازار است.

او همچنان افزود: «ما باید قواعد بازی را ایجاد و تعریف کنیم تا هیچ‌گونه خلالی حکومت‌داری؛ مانند فساد، توزیع غیرعادلانه منابع و منازعه داخلی که منجر به رشد قوه‌های مخرب گردد، از خود باقی نگذاریم».

آقای غنی، مشکل دیگر افغانستان را شیوع بیماری کرونا عنوان کرد و گفت که موج اول گذشته، موج دوم تازه در این کشور آغاز شده، اما موج سوم برای این کشور بسیار سخت تمام خواهد شد.

رییس‌جمهوری افغانستان با اشاره به پیشرفت‌های پنج‌سال گذشته تاکید داشت که تمام معیارهای استراتژی کنونی مبارزه با فساد، به استثنای دو معیار که در حال تطبیق است، برآورده و تطبیق شده‌اند. همچنین از ایجاد کمیسیون مبارزه با فساد یادآوری کرد.

بر اساس گفته‌های وی، نظامیان افغان به صورت دوام‌دار تحرکات طالبان را طی چند ماه گذشته در ولایت‌های هلمند، قندهار، بدخشان و بخش‌های دیگر کشور عقب زده‌اند و در حال

شرکت خدمات اینترنتی ضحاک تکنالوژی

0786 873 535
sales@ztechisp.com
www.ztechisp.com

خدمات اینترنت از طریق بیسیم

خدمات اینترنت از طریق کابل فایبر نوری

خدمات اینترنت از طریق مایکروویف

خدمات اینترنت از طریق وایست

خدمات مکمل ای سی تی

خدمات شبکه سازی

خدمات دیتابیس

رفع مصونیت قضایی از همه یا هیچ

فساد جرگه‌سالاری یعنی دادوستد و امتیازگیری که بین وکیل و مقام‌های حکومت ایجاد شده باید از بین برود

● روز نخست نشست جناو به مبارزه با فساد در افغانستان پرداخته شد. یکی از موضوعاتی که مطرح شد، وجود فساد در میان بعضی از اعضای مجلس بود. امرالله صالح، معاون نخست ریاست جمهوری در برخورد با نمایندگان متهم به فساد، خواستار رفع مصونیت قضایی آن‌ها شد.

شکی نیست که فساد مانند موریانه‌یی در همه سطوح و لایه‌های دولت از جمله مجلس و قوه قضاییه رخنه کرده و این نیز درست که مقام‌ها و مسوولان در همه نهادها با برخورداری از مصونیت قضایی از چنگ اجرای قانون گریخته و به فساد حتا پس از ماموریت‌های رسمی خود ادامه داده است.

نفس مبارزه با فساد در همه نهادها از جمله مجلس معقول و مقبول است. منتها، نوع مطرح‌شدن فساد در میان نمایندگان مجلس توسط یک مقام بلندپایه حکومتی دچار اشکال است. به همین جهت، نمایندگان پارلمان در واکنش به سخنان صالح، دیروز درب مجلس را بستند.

نخست به لحاظ زمانی و مکانی، طرح این مساله هدف و نیت مساله را تحت تاثیر قرار داد. کاهش یا رفع مصونیت قضایی باید زودتر از این‌ها در خود مجلس و در طرحی به صورت پیش‌نویس که تبدیل به قانون می‌شد، ارایه می‌گردد.

دوم اینکه طرح کاهش یا رفع مصونیت قضایی باید شامل مسوولان بلندپایه هر سه قوه و همه نهادهای مستقل و غیرمستقل باشد؛ زیرا نهادها برای نظارت بر همدیگر و ایجاد توازن در قدرت در کنار هم‌اند. بنابراین طرح کاهش مصونیت یک نهاد می‌تواند به تقابل نهاد‌ها بینجامد و زمینه همکاری‌های نهادی از بین برود یا دچار اصطکاک شود.

حکومت مدعی است که پرونده‌های فساد وکلای پارلمان را در دست دارد و مصونیت قضایی آن‌ها به حکومت اجازه نمی‌دهد که قانون را بر اعضای فاسد مجلس تطبیق کند. این ادعای حکومت از این جهت واقعی به نظر نمی‌رسد که حکومت اگر پرونده‌یی در دست دارد، می‌تواند از طریق سازنوالی و نهاد قوه قضاییه و در نهایت با همکاری خود پارلمان اقدام به بررسی پرونده وکلا و دادگاهی کردن آن‌ها کند.

از سوی دیگر وکلای پارلمان که تا ابد مصونیت قضایی ندارند. حکومت می‌تواند در زمانی که وکلا از وکالت و یا دوره عضویت آن‌ها در مجلس تمام می‌شود، اقدام به برخورد قانونی کند. حکومت می‌توانست و می‌تواند که پس از پایان دوره پارلمانی، آن عده از نمایندگان مجلس که پرونده فساد دارند را از ورود دوباره آن‌ها به مجلس محروم کند. رویه‌یی که متأسفانه در چهار دور اخیر پارلمان دیده نشد و حکومت با تاخیر طولانی در برگزاری انتخابات، خود زمینه‌ساز فساد برای اعضای مجلس شد. افزون بر این، اقدامات برای فسادزدایی در سطوح مختلف و با رویه‌هایی انجام شود که قدرت قانون‌گذاری و نظارت پارلمان بر حکومت صدمه نبیند یا حداقل این تصور در نزد نمایندگان ایجاد نشود که حکومت به نام فسادزدایی قصد دست بالا داشتن بر مجلس و دور زدن آنان را دارد. به عبارت دیگر، فسادزدایی موجب استقلال بیشتر نهادها شود نه ادغام یک قوه در درون قوه دیگر.

نخستین نشانه فساد در همه نهادها به ویژه پارلمان کشور این است که دو مجلس به شدت سیاست‌زده و دارای ساختار ضعیف است. بدین معنا که افراد و گروه‌ها نهاد پارلمان و در کل نهادهای دولتی را به عنوان کانون تدوین مطالبات مردم به قوانین و نهادی برای خدمات‌رسانی نمی‌بینند، بل به آن‌ها به چشم بهره‌برداری و برخورداری از مزایایی می‌بینند که به سبب عضویت در این نهاد مستفید می‌شوند.

ضعف ساختاری پارلمان در این است که پارلمان کشور را نه کارشناسان خیره و مستقل از وکلا که وکلای پرنفوذ و زورمند اداره می‌کند. این امر موجب ورود افراد غیرحرفه‌یی و غیرمتخصص با پشتوانه و سهم وکلا به عنوان کارمندان اداری شده که این افراد بعداً به عنوان هماهنگ‌کنندگان فساد وکلا در درون و بیرون از پارلمان کار می‌کنند.

از این رو لازم است که در ابتدای ورود به پارلمان سابقه افراد و صلاحیت افراد برای ورود به پارلمان طبق استندردهای مشخص سنجیده شود. بسیاری از افرادی که در گذشته و حالا وکیل‌اند، دارای صلاحیت و ظرفیت عضویت در پارلمان نبوده و نیستند. این افراد از طریق کارزارهای مبتنی بر فساد یعنی خرید رای، فشار بر رای‌دهندگان و استفاده از زور بر نهادهای برگزارکننده انتخابات، وارد تالار مجلس شدند، اما یادآوری می‌شود که وضع محدودیت‌ها بر سر راه ورود افراد غیرشایسته به پارلمان نباید به گونه‌یی باشد که حق جوامع و گروه‌های اجتماعی گرفته شود. دو، در امر مبارزه با فساد در درون مجلس باید صلاحیت و مزایای وکلا مورد بازبینی قرار گیرد. بدین صورت، دارایی و صلاحیت قانونی که پارلمان به نمایندگان می‌دهد، مبتنی بر کلیت وجودی و وظایف پارلمان یعنی وضع قانون و نظارت باشد و استفاده فردی و آن صلاحیت‌ها و دارایی‌های پارلمان در موارد غیرقانونی محدود و غیرممکن شود.

سه، انتخابات پارلمانی به موقع و یی هم باید برگزار شود. دیده‌ایم که تاخیر در برگزاری انتخابات پارلمانی توسط حکومت، فساد را در میان وکلا رونق داد و از همه مهمتر کارایی و استقلال پارلمان نیز خدشه‌دار شد. انجام انتخابات به موقع یکی از راه‌هایی است که دست وکلای فاسد گرفته و از ورود دوباره آن‌ها به پارلمان برای برخورداری از مصونیت قضایی گرفته شود.

روی هم رفته، تا زمانی که امکان هماهنگی فساد از بالا در همه نهادها محدود نشود، فسادزدایی در یک نهاد نمی‌تواند جوابگو باشد. بنابراین فسادزدایی از جایی باید آغاز شود که نخبگان در هر سه قوه و همه نهادها بهره‌مندی از دولت و جایگاه سیاسی را مبنای حمایت شخصی برای خود تعریف نتوانند. به بیانی، فساد جرگه‌سالاری یعنی دادوستد و امتیازگیری که بین وکیل و مقام‌های حکومت ایجاد شده از بین برود؛ زیرا این منشاء مهم بی‌عدالتی و تباهی است.



نهادهای مردمی؛ اهرم قوی در حل بحران کرونا

زمانی که دست کم ۶۰درصد یک جامعه درگیر بحران شوند، رویکرد بالینی و پزشکی کم‌ترین کارایی را دارد و باید رویکرد اجتماعی بر مداخلات حاکم باشد

● **الهه موسوی** روزنامه‌نگار

● با سردی هوا و هشدار سازمان صحتی جهان به‌خاطر اوج گرفتن واقعات کرونا در فصل سرما، شاهد شروع موج دوم شیوع ویروس کرونا در افغانستان هستیم. اما‌را در روزهای اخیر، افزایش تعداد بیماران بستری و افزایش مرگ‌های مشکوک را نشان می‌دهد.

دولت تلاش خود را در مهار و کنترل ویروس کرونا دوباره آغاز نموده است. محافل در تالارها، تجمع در کافی‌شاپ‌ها، رستوران‌ها و سایر اماکن عمومی را ممنوع کرده است. هرچند چنین اقداماتی از جانب دولت در کنترل و مهار کرونا بی‌تاثیر نیست، اما مبارزه و تلاش برای کاهش درصد مبتلایان، نه‌تنها اقدامات دولت، بل همکاری عموم مردم را می‌طلبد.

اگرچه تاکنون دولت در زمینهٔ مشارکت‌دهی و سهم‌گیری مردم اقدامات چشم‌گیری نداشته، اما گاهی با تعطیل نمودن مکاتب و دانشگاه‌ها، منع تجمع و قرنطینه‌سازی ولایات، فرصتی را برای پذیرفتن و درک

نیازمندی‌های مبارزه با فساد از دید بانک جهانی

فسادزدایی نیازمند اصلاحات در سطوح مخلفت است نه کمیسیون‌سازی



● **رضاراضایی**

● چهار روز پیش، رئیس‌جمهوری اعضای کمیسیون مبارزه با فساد را معرفی و با سوگند آن‌ها، کمیسیون به طور رسمی کار خود را آغاز کرد. اینکه ایجاد کمیسیون مبارزه با فساد چقدر مبنای حقوقی دارد، جای بحث ما نیست و بهتر است قانونگذاران و حقوق‌دانان در این مورد نظر دهند.

آنچه واضح است، اینکه فساد بزرگترین مانع در راه توسعه کشور در همه ابعاد بوده. فساد از طریق تخریب حکومت و تضعیف بنیاد قانونی که رشد اقتصادی و سیاسی به آن وابسته است، مانع توسعه می‌شود. تخریب و آوار فساد به حدی عظیم است که نه تنها خبری از رشد اقتصادی نیست که کشور در همه بخش‌ها رو به افول و امنیت به کالی نایاب مردم تبدیل شده است.

بر مبنای داده‌های بانک جهانی، توجه به ۵ عامل بازدارنده فساد می‌تواند مؤثرترین راه مبارزه با فساد را فراهم کند:

● مسوولیت‌پذیری سیاسی

مسوولیت‌پذیری سیاسی با مشروعیت سیاسی نظام مرتبط است. دولت‌مردان اگر نتوانند پاسخگوی عملکردشان باشند، ناکارآمد و نالایق شناخته می‌شوند. این مساله منجر به کاهش اعتماد مردم و نارضایتی‌های عمومی می‌گردد. چنان که در انتخابات‌های اخیر، مشارکت مردم به پایین‌ترین میزان تنزل یافت. گویای همین کاهش اعتماد عمومی است. مدیران دولتی باید هم برای انجام وظایف به طور درست و به موقع، پاسخگو باشند و هم مسوولیت کوتاهی و غفلت در رسیدگی به مطالبات مردم را بپذیرند؛ یعنی حتا اگر هیچ اختلاس و فساد مالی در کارنامه خود نداشته باشند اما در اثر کوتاهی در انجام مسوولیت‌ها و یا تاخیر در اجرای پروژه‌هایی که هزینه مالی و زمانی بالا دارند، زمینه‌ساز فساد شده باشند هم باید مورد بازپرسی قرار بگیرند.

● مشارکت جامعه مدنی

جامعه مدنی (شامل گروه‌های شهروندی، سازمان‌های غیردولتی، اتحادیه‌های کارگری، نهادهای تجاری، پایگاه‌های فکری و پژوهشی، دانشگاه‌ها و از همه مهمتر رسانه‌ها و کاربران شبکه‌های اجتماعی) رابط و میانجی میان دولت و مردم است و در ایجاد شفافیت و محدودسازی فساد نقش مهمی دارد.

اول: جامعه مدنی با دسترسی آزاد به دخل و خرج نهادهای دولتی می‌تواند درجه بالایی از نظارت عمومی را برای مسوولیت‌پذیر کردن مقام‌ها ایجاد کند.

گزارش و تحلیل

● مدیریت بحران به ویژه در حالت اپیدمیک نباید پزشک‌محور باشد. فعالیت و اقدام بر مبنای اطلاعات طبی بحثی جدا از چنین نگرش و رویکرد است. زمانی که دست کم ۶۰درصد یک جامعه درگیر بحران شوند، رویکرد بالینی و پزشکی کم‌ترین کارایی را دارد و باید رویکرد اجتماعی بر مداخلات حاکم باشد.

هدف از انسجام اجتماعی، برقراری تعادل بین تمام طبقات و قشرهای جامعه در بهره‌گیری از امکانات صحتی و درمانی است. به‌طور مثال، باید به فکر حمایت از گروه‌های آسیب‌دیده در جریان بحران با ابتکاراتی مانند تشکیل نهادهای حمایت از آسیب‌دیدگان و توزیع مواد غذایی در محلاتی بود. در این زمینه دولت، شاروالی و تشکل‌های غیردولتی می‌توانند در کنار مردم، نقش مهمی داشته باشند. همچنین تشکیل گروه‌های داوطلب محلی برای رسیدگی و مراقبت از افراد پیر، ناتوان، از کارافتاده و تنها، یک مسألهٔ حیاتی است. در قسمت تشخیص چنین افرادی باید هرچه زودتر از ظرفیت‌هایی چون وکیلان و بزرگان هر ناحیه بهره گرفت.

از آنجا که مشارکت به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است، هر عضو از جامعه می‌تواند نظر به توانایی خود، حمایت‌گر فرد دیگر باشد. توانمندسازی مشارکتی و ایجاد ساختارهایی با قابلیت انتقال نظرات و مطالبات از پایین به بالا ضرورتی انکارناپذیر

است.

مدیریت بحران به ویژه در حالت اپیدمیک نباید پزشک‌محور باشد. فعالیت و اقدام بر مبنای اطلاعات طبی بحثی جدا از چنین نگرش و رویکرد است. زمانی که دست کم ۶۰درصد یک جامعه درگیر بحران شوند، رویکرد بالینی و پزشکی کم‌ترین کارایی را دارد و باید رویکرد اجتماعی بر مداخلات حاکم باشد.

اکنون به وضوح روشن گردیده که مدیریت بحران کرونا جز با مساعدت و همکاری مردم و به ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد ممکن نیست. اپیدمی کرونا مثل ده‌ها اپیدمی دیگر ازجمله طاعون و وبا دیر یا زود با خسارات جسمی و روانی و اجتماعی و اقتصادی خواهد رفت، اما قبل از آن برای جلوگیری از افزایش خسارات جانی و مالی، باید به‌طور فاعلانه، در کنار دولت و اجتماع خوش، حضور بیابیم تا مانعی برای گسترش کرونا باشیم.

باید بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌ها را بازنگری کرد و برای تقویت اتصال اجتماعی کوشید. بحران کرونا این درس را به ما می‌دهد که نمی‌توان همه چیز را به سازوکارهای دولتی و یا تقدیر سپرد، بل جامعه نیازمند نهادهای جمع‌گرایی است که در دل بحران‌ها برای مراقبت از دیگران تلاش کنند و مسیر عبور از این بحران را به یک‌دیگر نشان دهند.

رقابت ناسالم در اقتصاد سبب شده که کالاهای غیراستندرد، کم کیفیت، غیرضروری و همچنین بسیار تجملاتی در بازار افغانستان وارد شود و این مساله توان رقابت شرکت‌های تولیدی داخلی را رپوده است.

افزون بر این نقش عوامل نفوذ اقتصادی در دولت، از طریق باج‌دهی و رشوت به شدت چشمگیر است. از سوی دیگر ورود بازیگران سیاسی در بخش خصوصی با استفاده از امکانات و تسهیلات دولتی نیز روند

فرونی داشته است، به گونهٔ که شاغلان بلندپایه دولت هم‌ه‌مقام مسوول است و هم تاجر و طرف قرارداد پروژه‌های دولتی. حتا گاهی این اشخاص به عنوان صاحب شرکت‌ها و موسسه اقتصادی در همکاری و تمویل گروه‌های تروریستی به عنوان گروه‌های فشار علیه حکومت عمل کرده است.

بنابراین نقش عوامل نفوذ اقتصادی در دولت را می‌توان به شیوه زیر محدود کرد: اصلاح قوانین و رفع بروکراسی، حاکمیت سازمانی و شرکتی، تشویق انجمن‌های تجاری و اتحادیه‌های صنفی، بسط و گسترش نظام و خدمات بانکی و در نهایت برجیدن صرفایی‌ها و حواله‌داری‌ها با توشیح و اجرای قانون پولشویی.

● ایجاد محدودیت‌های نهادی و کاهش تشتت

دوم: جامعه مدنی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، مسوول بالا بردن آگاهی و تحت فشار گذاشتن سازمان‌های دولتی و همکاری با بخش‌های مختلف برای اجرای اصلاحات ضد فساد است.

شعار مبارزه با فساد بدون برداشتن محدودیت‌های دست و پاگیر بر سر راه رسانه‌ها برای یافتن اطلاعات، بی‌معناست، از این‌رو لازم است که حکومت اجازه دهد جامعه مدنی، به‌ویژه رسانه‌ها، آزادانه به اطلاعات دست یابند.

همچنین برای اینکه مبارزه با فساد به واقعیت فراگیر تبدیل شود، لازم است که کارگروه‌های مشترک موسسات پژوهشی، دانشگاهی و رسانه‌یی غیردولتی برای نظارت بر روند مصرف بودجه از جمله بودجه‌های عملیاتی خارج از بودجه ملی مثل کود ۹۱ و ۹۲ ایجاد شود تا موارد فساد همه‌جانبه فاش و مورد پیگرد قرار گیرد. بدون این‌ها، حتی با وجود یک کمیسیون دولتی در این بخش، باز هم در زدوبندهای سیاسی، فساد ادامه خواهد یافت.

● بخش خصوصی رقابتی

هر اندازه بخش خصوصی، ساختارمند، رقابتی و شفاف باشد به همان میزان توسعه اقتصادی رونق می‌یابد، برعکس، به هر میزان که بخش خصوصی مافیایی باشد، به همان درجه عقبگرد خواهد داشت. با اینکه اقتصاد افغانستان گسترده و متنوع نیست، بخش خصوصی غیر مولد و بیشتر متکی بر واردات است، اما به شدت فسادزده است.

نخست اینکه در اقتصاد وارداتی ما هیچ گونه تعریف معیار از کالاهای ضروری و غیرضروری و تجملاتی نیست. دوم، معاملات تجاری از طریق داد و ستدهای نقدی و غیربانکی انجام می‌شود که این امر خود موجب بی‌انگیزگی برای رفتن به سمت تولید می‌شود و مهمتر از همه وضع تعرفه‌ها و اخذ مالیات در نبود بیلاس تجاری، فکتورهای خرید و فروش و اظهارنامه‌های مالیاتی به طور دقیق صورت نمی‌گیرد. ضمن اینکه

تیرتا را بکشید. از ابراز امیدواری‌ها که بگذریم، بیشتر موارد بحث زنان است. اینکه چنددرصد هیات مذاکره را تشکیل دهند، اینکه به روایت دوران سیاه طالبان بپردازند یا نگران دست‌آورد‌های خود باشند و از این قبیل موارد، اما کمتر از یک ماه، قضیه می‌شود برو پشت نان که خربزه آب است!

هر روز ما را کشتند. تیرتها از نگرانی فلان زن و خواست فلان نهاد مدنی تبدیل شد به «آیا افغانستان باز هم به پایگاه تروریزم بدل می‌شود؟» چرخید به «افزایش ناامنی.»

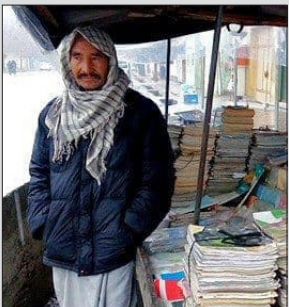
ما در فهم طالبان دچار سوءتفاهیم. طالبان قاطع است.

جهان‌های موازی

جای مردن، زندگی می‌کنم

«دلیل اینکه در این روز سرد و برفی هم برای کار آمدم، دخترانم هستند. تلاشم این است تا اولادهایم به گذشته برنگردند»

سمیه نوروزی



یکی از روزهای برفی پاییزی در کابل است. آنچه از آسمان می‌بارد، نامش برای همگان، یکسان نیست: یکی برفش می‌خواند، یکی بلا، یکی دلهره، یکی رحمت.

تعریف هوای کابل هم نزد همه

همگون نیست: یکی این هوا را دوفنره می‌خواند و یکی هوای خراب. بی‌توجه به ماهیت و چیستی برف و این زمستان غاصب که سهم پاییز را ربوده است، تمام تلاشش را به کار می‌گیرد تا از بحرهای کوچک خیابان‌های کابل که به‌سبب نش‌قظرات پترول و دیزل موتورها رنگین‌کمانی شده، خودم را به جزایر امن پیاده‌رو برسانم.

دیاولوگی در ذهنم شکل می‌گیرد: خالق این بحرهای دست‌ساخت بشر کیست؟ شهرداری‌کی که سیستم کانالیزاسیون معیاری طراحی نکرده یا مردمی که جوی‌های کنار پیاده‌رو را با سطل زباله اشتباه گرفته‌اند؟!

درگیر با همین پرسش‌ها، روی کاشی‌های شکسته پیاده‌رو که با برگ‌های سبز و زرد پاییزی فرش و با بارش برف و باران تعمد یافته‌اند، قدم می‌زنم. از جوی انتهایی پیاده‌رو می‌گذرم و اندکی درنگ می‌کنم تا کاروان موتورها سیاه و سفید آبی‌کی و لندکرورز، وارد «سرک شورا» شوند.

آن سوی خیابان، مردی با سبیل‌های سیاه، نگهبان کتاب‌فروشی کوچک و بی‌نام سرک شورا است.

نامش غلام هاشم است، پدر شش فرزند. شانزده سال می‌شود که در کنج دنج سرک هشتم کارته سه کابل بساط کتاب‌فروشی را پهن کرده و برای ادامه زندگی به امید و آرزوهای کوچکش قانع است.

به کتاب‌های داخل کراچی‌اش نگاه می‌کنم: اکثرا کتاب‌های دست دوم درسی، دینی و انگیزشی‌اند.

از او پرسیدم، چرا تصمیم گرفت تا کتاب‌فروش شود؟ گویا این پرسش او را در نوستالژی سال‌های نخست سقوط رژیم طالبان فرو برد، جواب داد: «سال‌های اول حکومت کرزی [دولت موقت] که از ایران دوباره به وطن برگشته بودیم، مردم مثل حالی نبود که به‌جز چیترو و کتاب درسی هیچ مطالعه‌نکنند.

از همه‌ی خاطر فقط کتاب‌هایی را دارم که مردم می‌خرند، اما او وقت، افغانستان هیچ نداشت. هیچی برش نمانده بود. مردم مشتاق و کنج‌گاو بودند. به همه‌ی خاطر بازار کتاب بسیار کش داشت. با سواد کمی که در مسجد و مدرسه پیدا کرده بودم، تصمیم گرفتم تا از این طریق [فروش کتاب] نفقه خانواده خودم را به‌دست بیاورم.»

در پاسخ به اینکه چند تا از فرزندانش به مکتب می‌روند، بعد از کمی مکث پاسخ داد: «برای تمام اولادهایم فرصت درس خواندن را فراهم کردم، اینکه نخواستن درس بخوانند، تصمیم خودشان بود نه تقصیر من.»

یک دقیقه نگذشته بود که چشمانش برق زد و از چهره‌اش افتخار بارید. ادامه داد: «اما فعلا دو تا از دخترانم دانشگاهی هستند، یک دخترم فلسفه و جامعه‌شناسی و دختر دیگرم زبان و ادبیات روسی در دانشگاه کابل می‌خواند. هردوی‌شان سال سوم است. اگر راستش را بگویم، دلیل اینکه در این روز سرد و برفی هم برای کار آمدم، دخترانم هستند.»

از نگرانی‌هایش گفت، برآیم آنتنی را که در چند صدمتری ما قرار داشت، نشان داد و داستان اینکه چطور یکی از مردان او را شناخته و آزاد کرده بودند، برآیم تعریف کرد.

درباره آرزوهایش گفت: «آرزوهای انسان، بسیار و تمامی ندارد. آرزو دارم که با عزت زندگی کنم، از کسی قرض‌دار نباشم و دین کسی بالای من نباشد. خواهش من از تمام هموطنان این است که هر کسی به اندازه دانش، ثروت و توانش، به‌خاطر بهتر ساختن وضع زندگی بقیه انسان‌ها تلاش کند. با دست و زبان خود به دیگران زبان نرساند، کسی را نکشد و مال کسی را نخورد. چون زندگی کردن در این‌جا [افغانستان] بسیار کوتاه است.»

لحنش به قدری واقع‌گرایانه و بی‌آلایش بود که فقط انسان‌های دنیادیده و خوب‌رنج‌چشیده، می‌توانند به آن فراوانگی سخن بگویند، به همین خاطر از او پرسیدم آیا تا حالا خواسته خودکشی کند؟

پرسش‌م برایش غیرمنتظره بود. چند ثانیه چیزی نگفت، اما بعد برایم پاسخ داد: «زندگی برای هیچ آسان نیست، هر کسی درد و مشکل خود ره داره و ممکن است گاهی امید نامید و خسته شود، مثلا حالا مُردن ساده‌تر از این است که بیایم کار کنم؛ اما جای مردن، زندگی می‌کنم و به‌خاطر زندگی بهتر زحمت می‌کنم. کسی که زندگی می‌کند شجاع‌تر از کسی است که خودکشی می‌کند.»

برای تغییر موضوع گفتگو از او پرسیدم چرا ادامه تحصیل نداد. پاسخش ساده و صمیمی بود.

«زمانه ما شبیه این زمان نبود، در قریه و روستا، از شش سالگی باید کار می‌کردی، از دهقانی و باغداری شروع تا مال‌داری و کار خانه. اگر کار نمی‌کردیم گشته می‌ماندیم. برای پدر و مادرهای اطراف سخت است تا جای کار به اولادهاشان بگویند درس بخوانین، چون خودشان درس نخوانده‌اند و دنیایشان اندازه قریه‌شان است.»

از او پرسیدم که آیا تا اکنون آرزو کرده به گذشته برگردد و بتواند به مکتب برود و درس بخواند؟!

واقع‌گرایانه جواب داد: «اینکه من به گذشته برگردم، ممکن نیست، اما تلاشم این است تا اولادهایم به گذشته برنگردند.»

جمله تفکربرانگیزی بود، از او اجازه خواستم تا عکسش را بگیرم، باهم خداحافظی کردیم و من به راهم ادامه دادم، با صدایی که به تکرار در ذهن منکس می‌شد: «تلاشم این است تا اولادهایم به گذشته برنگردند.»

علاوه بر حسبیا ابراهیمی چندین بازیگری که با ما بودند، بعد به افغانستان و کشورهای دیگر رفتند و بسیار خوب درخشیدند. مانند خانم گلی اکبری که در بازی آخرین ملکه زمین نقش آفرینی کرد که فعلا در امریکا زندگی می‌کند. یا مثلا عیسی حسینی که در فلم گل‌چهره، بسیار خوب بازی کرد و درخشید.

این‌ها همه سرمایه‌هایی بودند که با کوله‌باری از تجربه می‌توانستند به افغانستان خدمت کنند که تا حدودی هم خوشبختانه این اتفاق افتاد.

● از طرفی یکی از انتقادهای مهم مهاجران به چگونگی حضور آنان به عنوان سیاهی لشکر و آدم‌های کم‌ارزش در برخی آثار تلویزیونی و سینمایی ایران است. آیا از طرف شما هم کسانی به چنین نقش‌هایی معرفی شدند یا نه، چرا و چگونه؟!

در کارنامه من و شاگردانی که در اطراف بنده بوده‌اند، هیچ‌وقت چنین چیزی نبوده. البته که بارها از جانب سینماگران پیشنهادهایی بوده، ولی با وجود کارهای زیادی که در این عرصه داشته‌ام، هیچ‌گاه اجازه توهین به ملت و کشور خود را به هیچ‌کس نمی‌دادم.

ولی وقتی از کوچک‌ها، سرک‌ها و روی بازار جمع می‌کنند و می‌برند که بازی کنند، دیگر گفته نمی‌توانی که جلوی هر فرد را بگیری. اصلا گاهی تا فلم ساخته نمی‌شد از حضور یک یا چند افغان در آن خبر نمی‌شدم، اما بعدا که خبرش به گوشم می‌رسید، با کارگردان صحبت می‌کردم و از آن‌ها دلیل می‌خواستم.

دیدگاه شما به صنعت سینمای کشورمان چگونه است؟

ببینید صنعت سینمایی هر کشور بستگی به اوضاع سیاسی آن دارد. اوضاع سیاسی کشور ما متأسفانه آن‌قدر وخیم است که سینماگران ما نمی‌توانند، حتی نفس بکشند. چه برسد به آنکه بخواهند پیشرفتی در جهت صنعت سینمای کشور ایجاد کنند. دیگر مشکلی که در این زمینه در افغانستان داریم، زمینه‌های اساسی آموزشی است. درست است ما دانشکده هنر داریم، ولی خروجی‌های آن خیلی چشم‌گیر نیست. من بیشتر هنرجویان افغان را که در اروپا می‌بینم که از دانشکده هنر فارغ شده‌اند، اما بعد از دیدن تکنیک هنری‌شان، این سوال برایم پیش می‌آید که واقعا شما در آنجا چه می‌خواندید و چه می‌کردید؟! پس مشکل ما در بخش آموزش اساسی است. اگر نه با این همه فارغ تحصیلی که سالانه از بخش هنر داریم، سینمای ما باید رشد خیلی چشم‌گیری می‌داشت.

صنعت سینمایی

● نظراتان در مورد کارهای کم‌دی در افغانستان چیست؟

بگذارید یک چیز جالب را برایتان بگویم! مردم افغانستان کلا در طنز و کم‌دی یک قابلیت عالی دارند. نسبت به هر ژانر دیگر طنز را بسیار پخته بازی می‌کنند. من بسیاری از برنامه‌های کم‌دی افغان‌ها را می‌بینم و واقعا من را می‌خندانند. با خود می‌گویم این‌ها چقدر در طنز استعداد خوب دارند! مثال می‌زنم: وقتی ما شب‌خند روان‌شاد جلالی صاحب را می‌دیدیم، واقعا لذت می‌بردیم. چقدر استعداد فوق‌العاده داشت و در کارش موفق بود.

با مثلا شبکه خنده که ما چند بازیگر عالی در آن داریم. اتفاقا روزی یکی از برنامه‌های این‌ها را می‌دیدم که متوجه شدم، این‌ها تکست نوشته نمی‌کنند و فی‌البداهه دیالوگ می‌گویند. ببینید که چقدر استعداد کم‌دی و طنز این‌ها زیاد است که اغلب دیالوگ را نوشته نمی‌کنند؛ بل موضوع را می‌گیرند و طبق آن بازی می‌کنند. چون موضوع مستندی است که فعلا هم در افغانستان جریان دارد. فرض مثال آقای غنی چی کارهایی انجام داده، والی چی کارهایی انجام داده؟ فلان و فلان چی کارهایی خلافاً انجام داده‌اند؟ و فقط کارهای خلاف آن‌ها را به طنز می‌کشند. این را هرکس که ببیند خودش می‌آید، چرا که آن اتفاق در جامعه جریان دارد.

توصیه شما به جوانان علاقه‌مند به سینما چیست می‌خواهند وارد این عرصه پرجنجال شوند

در کشور ما استعدادهایی فراوان و نابی به‌خصوص در عرصه سینما و تئاتر وجود دارد. تنها توصیه من به کسانی که می‌خواهند به هنر سینما وارد شوند، این است که این حرفه را به‌صورت تکنیکی و علمی بیاموزند. به فراگیری و یادگیری آن روی بیاورند؛ چراکه حتی اگر استعداد هم داشته باشند، ولی نیاموزند، خیلی زود خاموش شده و به فراموشی سپرده می‌شوند. ***

خروجی‌های دانشکده هنر چشم‌گیر نیست

مصاحبه با وحید نگاه؛ کارگردان و بازیگر سینما

مصاحبه‌کننده: امید محمدی

● وحید نگاه، کارگردان و بازیگر سینماست. او سال‌ها در مهاجرت زندگی کرده و با تلاش در عرصه سینما کارهایی را بازی و خلق کرده که از جمله می‌توان به این فلم‌ها و سریال‌ها اشاره کرد:

فلم‌ها: آخرین ملکه زمین، گل‌چهره، چند می‌گیری گریه کنی، محاکمه، شاباش و به قندون نشاط
سریال‌ها: پای پیاده، زیرزمین، راه شب، شاید برای شما هم اتفاق بیفتد، متهم گریخت، ناقوس‌ها، فلم‌های که ساختم، تا رویا هست، عشق شیرین، صبورانه و میراث
کارگردانی سریال‌های هزار رنگ، بهار و گوسفند نباش تیا ترا: رهایی، جشنواره فجر، قاب شکسته جشنواره طنز اصفهان، مدرسه، یک سطل گل و کارهایی دیگر.



آقای نگاه دوست داریم شما را از زبان خودتان بشناسیم، لطفا کمی از خود و حرفه‌تان بگویید:

وحید نگاه هستم. متولد ۱۳۴۹ در ولسوالی چهاردهی کابل. تحصیلات ابتدایی و عالی و لیسه خود را در کابل گذراندم و بعد در رشته سینما تئاتر در دانشگاه تهران به تحصیل ادامه دادم. فعلا در اتریش هستم و در کنار زندگی روزمره خود مشغول ساخت فلم و سریال افغانی هستم. تقریباً مدت ۱۸ سال می‌شود که در تیاتر و سینما فعالیت دارم.

چطور به هنر هفتم روی آوردید و به آن علاقه‌مند شدید؟

حقیقت امر این‌ست که من در خانواده هنری و فرهنگی رشد کردم. پدرم مولانا محمدیوسف نگاه از شاعران بزرگ افغانستان است که تا به حال آثار زیادی از وی در افغانستان به نشر رسیده که کتاب خط بی‌عنا از آثار معروف اوست. برادر بزرگترم که در آن زمان استاد دانشگاه بود، در تلویزیون ملی پرودوسر بود و فعالیت‌های فرهنگی داشت. همچنین برادر دیگری دارم که آوازخوان بود. خب با وجود این خانواده فرهنگی، علاقه من به هنر بیشتر شد و در نهایت به هنر هفتم روی آوردم.

من بیشتر با آثار کم‌دی شما آشنا هستم، لطفا از ژانرهایی که فعالیت می‌کنید، برآیم بگویید؟

علاقه من بیشتر ژانر کم‌دی بوده و به‌همین خاطر هم اکثر کارهایم به سمت کم‌دی رفته، اما بیشتر عرصه‌های این هنر را تجربه کرده‌ام. مثلا سریالی را تقریباً ۱۲ سال پیش برای شبکه تمدن کار کرده بودم که نامش «هزار رنگ» بود که در ۵۲ قسمت پخش می‌شد. جزو اولین سریال‌هایی بود که در افغانستان کار شده بود. یا کار مستند داستانی که اخیرا داشته‌ام در اتریش به‌نام «تا رویا هست»، قصه‌ی از مهاجرت بود و بسیار مورد استقبال مردم اتریش قرار گرفت. همچنین خیلی از کارهای دیگر که در ژانر کم‌دی نبوده‌اند.

با توجه به اینکه هم در تیاتر و نمایش مهاجران در ایران فعالیت داشتید و هم در اروپا، بگویید چرا رغبت گروه‌های نمایشی و برنامه‌سازان افغان به نمایش‌ها و برنامه‌های خنده‌آور بیشتر است؟

بگذارید چند مثال از کارهای خود بگویم. مجموعه فلم‌سازی من یک چینل یوتیوب دارد که از آن کارها را بخش می‌کنیم و گاهی تلویزیون‌های افغانستان را به این چینل راجع می‌سازم تا از آنجا به‌صورت رایگان دریافت کنند. حالا هم یک سریال را روی دست دارم که نامش هست: گوسفند نباش. این سریال یک کم‌دی منتقدانه سیاسی است. وقتی این سریال را در چینل خود بارگزاری می‌کنیم با بازدید بسیار بالا و استقبال زیاد روبه‌رو می‌شویم. با فلمی که پارسال ساختم به نام عشق شیرین که فلم کاملا کم‌دی بود و بیننده زیادی داشت، ولی وقتی یک فلم عمیق با گرایش نقد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باشد، با استقبال خیلی اندک مواجه می‌شویم.

ظاهرا حسبیا ابراهیمی از جلسات شما به

فلم چند متر مکعب عشق معرفی شد. درباره چگونگی این معرفی‌ها توضیح می‌دهید که فرآیند و ملاک‌های معرفی چطور بود و انجام می‌شود؟

ملاک انتخاب این بازیگرها استعداد و توانایی خودشان و تلاشی که در این عرصه داشته‌اند، بوده است. حسبیا ابراهیمی وقتی پیش من می‌آمد برای صنف بازیگری، کودکی بیش نبود. حسبیا همیشه همراه خواهر دیگرش به صنف می‌آمدند. این‌ها در طول زمان تجربه کسب کردند و آموختند. سال‌ها بعد وقتی آقای محمودی برای همکاری تماس گرفت و به دیدار ایشان رفتم، او را معرفی کردم.

من همیشه فلم‌نامه‌ها را می‌خوانم تا ببینم چنانچه توهینی به افغان‌ها و کشورمان نباشد. آن‌وقت همکاری می‌کنم. وقتی داستان را خواندم حاضر به همکاری شدم. حسبیا و دختر دیگری که نامش مریم بود، ایشان معرفی کرد.

در ایران افغان‌های ما به‌خاطر محدودیت‌های موجود، در بیشتر عرصه‌ها به‌خصوص سینما نتوانستند به اندازه قابلیت‌شان رشد کنند. به همین خاطر همیشه تلاش من این بوده اندک تجربه‌یی که از سینما دارم را در اختیار این‌ها بگذارم تا شاید به‌نفع سینمای افغانستان تمام شود که همین اتفاق بسیار خوب هم افتاد.

ذهن‌آزمایی

جدول ۲۸ / طراح: امید محمدی

حل جدول شماره قبل

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
د	و	ز	ن	ب	ر	ی	ا	س	ت	ب	ا	د	ا	د
س	ر	ا	ج	ک	ر	ش	ک	ر	ا	ل	و	م	م	م
د	و	ر	ا	س	ه	ا	ل	و	و	ی	ن	م		
م	ر	ن	ا	ت	ن	خ	ش	ز	و	ر				
م	ر	ن	ا	ت	ن	ک	ر	م	ر	ه	ا	ا		
ت	ب	ر	ا	س	ت	ن	ت	ا	ج	ا	ت	ه		
و	ا	ک	ن	ک	ن	ز	ا	ی	ر	ا	س	م		
م	ر	د	د	ه	ب	و	ی	ن	ک	ی	د			
ز	ق	و	م	ر	ک	و	ی	ک	ی	ا	ش	ن		
ک	ا	و	ر	ا	ق	د	ا	م	د	ه	ی			
ا	ع	ت	ر	ا	ف	ا	ت	ن	د	م	ا	ت		
ل	ت	ی	ک	ی	ر	ی	ک	ی	ا	ن	ب			
س	ی	ا	س	ت	م	ا	ل	ی	ر	ک	و	د		
ط	ر	ی	ا	ی	ن	ا	ی	ن	ا	و	ر	خ	س	
ح	ا	ج	ت	م	ر	ن	د	ز	و	د	ب	ا	و	ر

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

خشک درست می‌شود

- ۱- مال قیمتی و قدیمی، کسی که خشم بدی دارد
- ۲- محلی کلان برای فروش و عرضه کالاها، ناپاک
- ۳- اندازه، کسی که روایت می‌کند، فریاد ناله و زاری، عامیانه‌ی شب
- ۴- آزاد، ده‌تایی
- ۵- منسوب به آلت، برزندی بی‌دست‌ساز انسان، حافظه
- ۶- ترس، منهای «همراه» در پشتو، تن
- ۷- هسان مرد، ناچیز، بی‌مو، اسب به اوزبیک
- ۸- پادشاه، عامیانه‌ی شهر
- ۹- پسورد، با خشک همیشه می‌سوزد، در واحد، امر به ساکت شدن در عامیانه
- ۱۰- درگیری، تلک، راه‌جوری، همراه بروت
- ۱۱- شهری در جرمنی که در امسالند واقع شده، زیبا، مفرد، سماوات به معنی آسمان‌ها
- ۱۲- خصلت، مونس، همدم، همراه
- ۱۳- حرفی اضافه در دری و هم به معنی زیاده‌خواهی، آسوده و راحت، بی‌درد، تیز و ... پروردگار
- ۱۴- کلمه استغفام به معنای چطور، مرکز این ولایت شهر گردیز است
- ۱۵- بازرسی بدنی برای امنیت، شوی خواهر

عمودی

۱- یکی از سمبول‌های بیرق افغانستان، نوعی شیرینی محلی که از آرد توت

مدت		هزینه اشتراک	
یک سال	۵۰۰۰ لانهی	ادارات دولتی	۳۰۰۰ لانهی
شش ماه	۳۰۰۰ لانهی	ادارات دولتی	۱۵۰۰ لانهی
یک سال	۱۵۰۰ لانهی	دفاتر خارجی	۱۰۰۰ لانهی
شش ماه	۱۰۰۰ لانهی	دفاتر خارجی	۳۰۰۰ لانهی
یک سال	۳۰۰۰ لانهی	دانشجویان و افراد	

www.madanyatonline.com 020 25 12 810

- صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: سید اصغر اشراق ۰۷۹۴۱۱۵۴۴ / shraqsayed@gmail.com
- سردبیر: فرشته حسینی
- تحلیل‌گر ارشد: مجیب‌الرحمن اتل
- ویراستاران: معصومه امیری، سامعه درویش
- مترجم: شریفه عرفانی
- گروه دبیران: یکتا رش، سید باقر واعظی، زهرا تارشی، سمیه نوروزی محمدرضای رضایی، فرزاد عنایت، الهه موسوی و زهرا یزدان شناس

روزنامه‌ی برای حقوق شهروندی



RAH-E-MADANYAT DAILY

Wed Nov 25, 2020 No. 647 Vol. 9 news@madanyatdaily.com www.madanyatdaily.com fb.com/madanyatdaily 020 25 12 810

ترجمه

ترور «روزنامه‌نگار شجاع افغانستان»

ترور یک روزنامه‌نگار، راهی بی‌رحمانه و موثر برای خاموش کردن صدا و ترساندن دیگران است.

ترجمه: شریفه عرفانی

منتخب: بی‌بی‌سی ورلډ
گزارشگران: کاوون خموش
جولن گانتر

الیاس داعی شب قبل از مرگش تا دیروقت کار می‌کرد. این برای داعی که به‌خاطر انجام کارش اهمیت نمی‌داد، دیر می‌خواهد یا زود می‌خیزد، امری غیرمعمول نبود. در آن شب، وی در حال اتمام یک گزارش رادیویی در مورد حمله به پسته تالاشی اردوی افغانستان در ولایت هلمند بود، محل زندگی خدش. داعی ۲۳ ساله در هلمند متولد و بزرگ شد. زندگی کاری خود را صرف پوشش خبری فرسایش و خشونت موجود میان ارتش و طالبان کرد.

در ماه‌های منتهی به مرگش، خشونت همچنان جریان داشت. حتی با وجود اینکه گفتگوهای صلح هزاران کیلومتر دورتر در قطر با هدف پایان دادن به جنگ آغاز شده بود، افغانستان شاهد موجی از ترور مردم عادی بود. سرانجام داعی لپ‌تاپ خود را بست و به رخت‌خواب رفت و صبح او و برادرش مجتبی زود به کار آغاز کردند تا به روزنامه‌نگار دمنارکی که برای تهیه گزارش رادیویی به او کمک می‌کرد، بپیوندند.

داعی اخیراً موثر جدیدی خریده بود تا بتواند مادر پیر خود را با آسایش بیشتری به شفاخانه برساند. او همواره کوشش داشت که زیر موثر را بررسی کند تا مبادا مواد منفجره جاسازی شده باشد. فرقی نمی‌کرد موثر را چه مدتی رها کرده بود، هر چهار طرف آن را به دقت بررسی می‌کرد. دستانش با او شوخی می‌کردند و می‌گفتند که او شبیه موش است. همیشه هوشیار، در هر لحظه آماده برای فرار از خطر.

دوکان داران مقابل خانه داعی گفتند که او صبح همان روزهم، مثل همیشه موثر را بررسی کرد. طبق اطلاعاتی که پولیس به خانواده‌اش داد، یک «بمب چسپکی» جایی که تشخیص آن سخت بود، قرار داده شده بود. کمی بعد از خروج دو برادر از خانه منفجر شد و داعی را کشت و مجتبی را زخمی کرد. همسر داعی صدای انفجار را از خانه شنیده و دیده بود.

انفجار به شکل غیرمنتظره رخ داد. داعی در طی این سال‌ها بارها اغلب از طریق سرویس‌های امنیتی خیر تهدید از سوی طالبان را دریافت کرده بود، این تهدیدها آن قدر جدی بود که کارفرمایان وی در رادیو آزادی چندین بار او را به‌خاطر امنیت هوایی به کابل انتقال داده بودند. اخیراً خانواده‌اش سعی کرده بودند او را متقاعد کنند که به پایتخت برود. ماه‌ها بود که طالبان از ولسوالی‌های اطراف به لشکرگاه فشار می‌آوردند و در ماه اکتوبر سستیزه‌جویان در حال بستن ورودی‌های شهر بودند.

داعی روز قبل از مرگش به عزیز تسل، دوست خود، روزنامه‌نگار واشنگتن‌پست که ۱۵ سال بود او را می‌شناخت، پیام داد و گفت که نگران است و فکر می‌کند باید به کابل برود.

تسل اغلب او را ترغیب می‌کرد که هلمند را ترک کند. تسل گفت: «سه یا چهار بار برای کار به اروپا رفت و من هر بار به او التماس می‌کردم که از روسایش بپرسد، آیا می‌تواند بماند؟» اما داعی مقاومت می‌کرد. او به دوست خود گفت: «هلمند روح من است.» او نمی‌خواست مادر، همسر و دختر خردسال‌شان یا خواهر و فرزندان را که هنگام کشته‌شدن شوهر پولیس‌اش، در آغوش گرفته بود، ترک کند.

او همچنین اخیراً در باغ خود چادر بزرگی برپا کرده بود تا به چهار خانواده دیگر که از جنگ آواره شده بودند، پناه دهد و باید به آن‌ها نیز فکر می‌کرد. برادر کوچک داعی، مدثر دعوت، روزی که برادر گرفته بود و روزنامه‌نگاری را دنبال می‌کرد و برای شرکت در کنفرانسی به کابل رفته بود. بازگشت از راه زمینی به هلمند بسیار خطرناک بود، بنابراین دعوت نتوانست به خانه برگردد و شاهد خاک‌سپاری داعی باشد. چند روز بعد، او نشست و لپ‌تاپی را

که شب قبل از بمب‌گذاری برادرش با آن کار کرده بود، باز کرد. روی صفحه، نرم‌افزار ویرایش صوتی بود که گزارش نهایی برادرش روی آن باز بود. دعوت، برنامه را باز کرد و بار دیگر صدای گرم برادرش را شنید، با مرد مسنی که آن روز در اثر حمله آواره شده بود، صحبت می‌کرد. دعوت گفت: «بدن من هنگام شنیدن صدا می‌لرزید. این آخرین کار او بود. آخرین صدا او.»

وقتی مصاحبه تمام شد، او با دقت صدای متوقف کرد و نرم‌افزار را باز گذاشت. داعی ۱۲ سال قبل از مرگ، در رادیو آزادی کارش را آغاز کرد. صدای پرتوان او که گویی برای برنامه رادیو ساخته شده بود، در هلمند صدایی آشنا بود. به‌خاندان راه می‌رفت و داستان‌های جنگ را تعریف می‌کرد. داستان‌هایی از تجارت همیشگی

جنجالی دایم گرفتار آتش جنگ بود. حقوق ماهیانه ۵۴۰۰ افغانی (۱۰۰۰ دالر) پدر وی به سختی شکم خانواده ۲۵ نفری وی را اسیر می‌کرد و به ندرت امکان خرید اقلامی مانند قلم و دفترچه یادداشت برای مکتب که تجملاتی به حساب می‌آمد، فراهم می‌شد.

داعی در سراسر عمرش در افغانستان شاهد خشونت بود. سال‌های اولیهٔ عمرش را در خلای قدرت و در شرایط پر هرج‌ومرج به جامانده از شوروی گذراند؛ سال‌های پیش از نوجوانی تحت حکومت طالبان گذشت و در اوایل جوانی و بزرگسالی‌اش در نابسامانی‌های ناشی از نبرد امریکا با شورشیان طالبان گذشت.

وی پس از اتمام دورهٔ متوسطه، مستقیم سراغ حرفهٔ روزنامه‌نگاری رفت. خود را به شکل خبرنگاری بی‌پاک آورد و در لشکرگاه به چهره‌ی محلی تبدیل شد.

مواد مخدر، داستان‌های جامعه و فرهنگ. تسل گفت: «همه صدای او را می‌شناختم. در هلمند در بسیاری جاها تلویزیون وجود ندارد، فقط رادیو است. من به او می‌گفتم داعی تو مثل نان می‌مانی، در هر خانه‌ی هستی.»

داعی همچنین منبعی موثق برای بسیاری از خبرنگاران و محققان بین‌المللی بود که با انتشار خبرها به این ولایت آمده بودند. خبرنگار عکاس اندرا کویبلیتی کار با او را در سال ۲۰۱۶ آغاز کرد و به مدت چهار سال با او کار کرد و به این منطقه رفت و آمد داشت، رابطه‌ی دوستانه با او برقرار کرده بود. ماه گذشته این دو در لشکرگاه باهم ملاقات کردند تا مصاحبه‌هایی را برای پادکست کویبلیتی، افغانستان بعد از امریکا آماده کنند.

کویبلیتی گفت: «می‌توانم بگویم ۹۵ درصد از داستان‌ها، مستندها، مواد رسانه‌یی از هر نوعی که در چهار یا پنج سال گذشته از لشکرگاه بیرون آمده، اثر انگشت او روی آن‌ها بود. تصور اینکه چگونه جای خالی او پر شود، دشوار است.»

اشلی جکسون زمانی که در سال ۲۰۱۷ برای پروژهٔ دکترای خود در این منطقه به داعی می‌کرد با داعی همسفر بود. وی گفت «او خیلی شوخ‌طبع بود. او چیزهایی می‌گفت که هیچ کس دیگری نمی‌توانست بگوید. من بدون او از عهدهٔ آن کار بر نمی‌آمدم. بدون وجود گزارشگران افغان که می‌دانند چه می‌کنند، گزارش در مورد این بخش از جهان ممکن نیست.»

ترور داعی نقطه تاریکی در هلمند برجای گذاشت. هیچ گروهی مسوولیت بمب‌گذاری را بر عهده نگرفته، اما ناظران معتقدند که به احتمال زیاد طالبان در پشت موج ترورهای اخیر بوده‌اند. قاتلان صداهای مستقل را هدف قرار داده‌اند. روزنامه‌نگاران، فعالان حقوق بشر، سیاستمداران و افرادی که از زمان سرنگونی طالبان توسط نیروهای تحت‌الحمایهٔ ایالات متحده در سال ۲۰۰۱، طرف‌دار پیشرفت حقوق زنان بوده‌اند. وقتی امریکایی‌ها آمدند، داعی ۱۴ ساله بود. وی در چاه انجیر در ولسوالی نادعلی در هلمند بزرگ شد؛ دهکده‌ی بنام یک درخت انجیر که به دلیل جنگ‌های

برای خبرنگاران در افغانستان بوده، از سال ۲۰۱۶ حداقل ۶۵ نفر کشته شده‌اند. فقط روز قبل از ترور داعی، یک بمب مقناطیسی باعث کشته‌شدن سه کارمند بانک مرکزی افغانستان شد که یما سیاوش، مجری معروف اخبار که قبلاً در کانال طلوع‌نیوز کار می‌کرد نیز در میان آن‌ها بود.

چند ماه قبل از مرگ او، در ماه جولای، سیاوش در یکی از برنامه‌های سرگرم‌کننده در تلویزیون طلوع برای گفتگو دعوت شده بود. او گفت: «روزنامه‌نگاری شبیه یک میدان مین است که هر لحظه می‌تواند شما را انفجار دهد.»

ترور یک روزنامه‌نگار، راهی بی‌رحمانه و موثر برای خاموش کردن صدا و ترساندن دیگران است. اندرو کویبلیتی گفت: «قتل داعی» نه تنها ضربه‌یی به پوشش خبری بین‌المللی بود، بل ضربه‌ی محلی برای پوشش خبری محلی نیز بود.

وی گفت: «کسانی که جان سالم به در برده‌اند، اکنون کاملاً حق دارند بسیار نگران زنده ماندن به‌عنوان یک روزنامه‌نگار مستقل در آنجا باشند.»

ترور در برهه‌ی ناخوشایند از زمان در سراسر کشور اتفاق می‌افتد. دونالد ترمپ، رئیس‌جمهور بازندهٔ امریکا، قصد دارد که تعداد سربازان امریکایی در افغانستان را به شدت کاهش دهد و طالبان نیز در حال افزایش تسلط خود بر شهرها هستند.

سستیزه‌جویان در ماه فروری متعهد شدند با امریکا به توافق برسند که به همکاری با گروه‌های تروریستی مانند القاعده در این کشور پایان دهند، اما اخیراً یکی از مقامات رسمی سازمان ملل به بی‌بی‌سی گفته که این دو گروه، هنوز همکاری نزدیک دارند. این نگرانی وجود دارد که دولت ملی کنترل بر این کشور را از دست بدهد. داعی داشت این جابه‌جایی قدرت را از نزدیکی می‌دید. با هجوم طالبان به مناطق اطراف، موج خانواده‌های آواره در حال رسیدن به لشکرگاه بودند و صدای شلیک گلوله‌های مداوم در حین انجام آخرین مصاحبهٔ وی با کویبلیتی توجه را به خود جلب می‌کند.

سال گذشته، او یک زمین بین لشکرگاه و چاه انجیر خرید، جایی که بزرگ شده بود. او تعدادی دام خریده بود و داشت باغی درست می‌کرد. عزیز تسل دوست قدیمی او تعجب می‌کرد که آیا او فکر می‌کند، زندگی ایمنی دارد؟ در ماه می، او تسل را به بازدید از طرحش دعوت کرد و دو مرد در آنجا نشستند و مدتی صحبت کرده بودند. «او قبلاً چند درخت شفتالو در آنجا کاشته بود. به من گفت، سال آینده با اینجا می‌آیی و درختان زیادی خواهی دید و ما میوه‌های تازه می‌خوریم.»

تسل گفت: «او شوخ‌طبع بی‌نظیری داشت. دوستی بی‌مانند بود. روز کشته شدن وی برای هلمند روزی سیاه بود.» برای خانواده‌اش، مرگ داعی یک زبان جریان‌ناپذیر است. برادرش دعوت، گفت که او برای بسیاری از ۹ برادر و ۱۳ خواهرش الگو بود. او آن‌ها را ترغیب می‌کرد، درس بخواند و شغلی بیابند.

دعوت گفت: «او همهٔ ما را تشویق می‌کرد، تحصیلات عالی خود را به پایان برسانیم. برخی از خواهران بزرگ‌تر از او تحصیل کرده نیستند، اما همهٔ خواهران کوچک‌تر از او تحصیل کرده‌اند.»

تسل گفت: «او فرصت داشت، به هر جا که می‌خواهد، برود اما ماند. قلبش برای هلمند و مردمش می‌تپید. او همیشه می‌گفت، من اینجا به دنیا آمدم، اینجا کار می‌کنم و اینجا خواهم مرد.»

داعی همان روزی که کشته شد در قبرستانی در لشکرگاه دفن شد. مادر، همسر و دختر یک‌سالهٔ وی پس از مراسم کوتاه خاک‌سپاری بر سر مزارش رفتند. دخترش قبل از اینکه بفهمد او از دنیا رفته، پدرش را از دست داد.

دعوت گفت که دخترک بعد از مرگ پدرش ساکت‌تر شده. عصرها به نزد مادر بزرگش می‌رود و به تلفیون اشاره می‌کند و یکی از معدود کلماتی را که آموخته می‌گوید: «داعی». نامش «مهربانی» است. داعی این نام را برای دخترش برگزیده بود.

- گزارشگران: مرتضی بژواک، معصومه امیری و نجمه رسا
- صفحه‌آرا: مینگ‌باشی
- چاپ: مطبعه انتخاب
- توزیع: کانون فرهنگی رنگ صبح ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
- دفتر: کارته سه
- هماهنگی خبر و گزارش: ۰۷۹۰۲۹۵۵۲۹
- به‌غیر از سرفقاله، مطالب دیگر بیانگر دیدگاه نویسندگان است.

خبرهای جهان

روند انتقال قدرت در امریکا آغاز شد

روند رسمی انتقال قدرت آغاز می‌شود. مورفی تأکید کرد، تصمیم او به طور مستقل گرفته شده و هیچ یک از مقامات دولت دونالد ترامپ او را تحت فشار نگذاشته‌اند و علت تأخیر او در اعلام این نتیجه دعای حقوقی دورقیب انتخاباتی بود.



به گزارش العربیه، همزمان وزارت دفاع امریکا به تاریخ ۲۴ نوامبر اعلام کرد که هماهنگی با تیم انتقالی جو بایدن رئیس جمهوری منتخب برای ارائه خدمات و پشتیبانی کامل در مرحله پس از انتخابات ریاست جمهوری را به زودی آغاز خواهد کرد. تیم جو بایدن رئیس جمهوری منتخب ایالات متحده از تصمیم دونالد ترامپ، برای اجازه دادن به دولتش برای دستیابی به بودجه لازم فدرال جهت شروع روند انتقال قدرت به دولت جدید را گامی مهم و ضروری دانسته و از آن استقبال کرد.

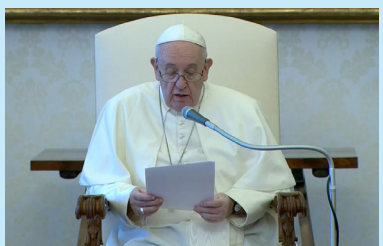
یوهانس ابراهام مدیر اجرایی موقت مبارزات انتخاباتی بایدن گفت: جو بایدن و کمالا هریس در انتخابات پیروز شدند. از این رو دولت ترمپ باید منابع و پشتیبانی لازم برای انتقال صحیح و مسالمت‌آمیز قدرت را به دولت جدید ارائه دهند.

در بیانیه یوهانس ابراهام آمده است، گامی که دولت دونالد ترمپ برداشته بسیار مهم و مثبت تلقی می‌شود. در همین حال امیلی مورفی، رئیس «اداره خدمات عمومی» با انتشار نامه‌یی به جو بایدن اعلام کرد که

پاپ اوینورهای مسلمان چین را «مردمی ستم‌دیده» نامید

گريختگان روهينگیایی از میانمار و نسل‌کشی ایزدیان توسط داعش سخن گفته بود، این اولین بار است که او از اوینورها نام می‌برد. به نوشته خبرگزاری رويترز، بسیاری از تحلیل‌گران می‌گویند واتیکان پیش از این تمایلی به مطرح کردن موضوع اوینورها نداشت، زیرا در جریان تمديد يك توافق‌نامه مناقشه‌برانگيز با بچينگ در مورد تعيين اسقف‌های کاتولیک برای آن کشور بود. وزیر خارجه امریکا، مايک پومپيو از واتیکان خواسته بود این توافق‌نامه را ترک کند، اما واتیکان آن را در سپتامبر تمديد کرد.

پس از سال‌ها درخواست فعالان حقوق بشر از پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان، او سرانجام در کتاب جدید خود، برای اولین بار، اوینورهای مسلمان چین را «مردمی ستم‌دیده» توصیف کرده است.



به گزارش رادیو فردا، او در بخشی از کتاب تازه خود به موضوع آزار و اذیت مسیحیان در کشورهای اسلامی پرداخته و همچنین نوشته است: «من اغلب به مردم تحت آزار و ستم فکر می‌کنم: روهینگیا، اوینورهای بیچاره و ایزدی‌ها.»

در حالی که پاپ فرانسیس قبلاً در مورد

ایران غرامت ۲۰۰ میلیون یورویی به اکراین می‌پردازد



روزنامه شرق در گزارشی که روز سه‌شنبه ۲۴ نوامبر منتشر کرده، افشا کرد که دولت حسن روحانی، بابت پرداخت غرامت سرنگون کردن هواپیمای مسافربری اوکراینی، تا سقف ۲۰۰ میلیون یورو از صندوق توسعه ملی برداشت خواهد کرد. هواپیمای مسافربری اوکراینی با ۱۷۶ سرنشین، بامداد ۱۸ قوس سال گذشته، توسط موشک‌های پدافند سپاه پاسداران سرنگون شد و تمامی سرنشینان آن کشته شدند.

روزنامه شرق چاپ تهران، در گزارشی انتقادی نسبت به عملکرد دولت حسن روحانی، به نقل از یک کارشناس اقتصاد، با بیان اینکه دولت ایران به دلیل محدودیت منابع ارزی ناچار به برداشت از صندوق توسعه ملی شده، نوشته است: چنین تصمیمی در راستای قوانین و مقررات صندوق ملی توسعه نیست. در این گزارش تأکید شده: پرداخت غرامت هواپیمای اوکراینی باید به صورت ارزی و از محل بیمه‌ها انجام شود، اما چون بیمه‌ها توان پرداخت ندارند، احتمالاً تصمیم گرفته شده تا این غرامت از محل صندوق توسعه ملی پرداخت شود.

برداشت از صندوق توسعه ملی تنها با اجازه رهبر جمهوری اسلامی ایران امکان‌پذیر است. فرهاد دژپسند، وزیر اقتصاد دولت حسن روحانی، در تابستان گذشته، همزمان با انتشار گزارش‌هایی مبنی بر اجازه رهبر جمهوری اسلامی ایران درباره برداشت از صندوق توسعه ملی برای مقابله با کرونا گفته بود: استفاده از صندوق توسعه ملی تنها بر اساس قوانین و مقررات است و برداشت

حتی یک دالر بدون توجه به این محدودیت امکان‌پذیر نیست. اما در ماه قوس سال گذشته، یک روز پیش از سرنگون شدن هواپیمای اوکراینی و در پی قتل قاسم سلیمانی، مجلس شورای اسلامی به دستور علی خامنه‌یی، رهبر جمهوری اسلامی از محل بودجه صندوق توسعه ملی ۲۰۰ میلیون یورو بوجه جداگانه به سپاه قدس اختصاص داد.

در پی یک دوره مذاکرات میان مقامات ایرانی و اوکراین، جمهوری اسلامی ایران با پرداخت غرامت به خانواده‌های قربانیان هواپیمای مسافربری اوکراین موافقت کرد اما هنوز جزییات و میزان غرامتی که ایران باید در برنده سرنگونی هواپیمای پرداخت کند، مشخص نشده است. صندوق توسعه ملی ایران، نهادی است دولتی که جایگزین حساب ذخیره ارزی شده است. فلسفه شکل‌گیری این حساب در ایران بیشتر در راستای تعدیل فشارهای ناشی از نوسان قیمت نفت بر اقتصاد ملی بوده و بر اساس قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه، دولت ایران در صورتی مجاز به برداشت از این حساب است که درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام نسبت به ارقام پیش‌بینی شده، کاهش یابد.